



عنوان و نام پدیدآور: چند تابلو برای نصب: تصاویری از زندگی حضرت فاطمه زهرا (س)/
نویسنده: محمدجواد مروّجی طبسی
گردآورنده معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی [آستان قدس رضوی].
مشخصات نشر: مشهد: انتشارات قدس رضوی، ۱۳۹۱.
شابک: 978-600-6543-60-4
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.
عنوان دیگر: تصاویری از زندگی حضرت فاطمه زهرا (س).
موضوع: فاطمه زهرا (س)، -- فضایل - اخلاق
شناسه افزوده: آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
شناسه افزوده: موسسه انتشاراتی قدس رضوی
رده بندی کنگره: ۱۳۹۱۳/۳۷BP ۹۵/ج
رده بندی دیویی: ۹۷۳/۳۹۷
شماره کتابشناسی ملی: ۲۸۶۵۵۴۹



۵۳ → چند تابلو برای نصب

تصاویری از زندگی حضرت فاطمه زهرا (س)

نویسنده: محمدجواد مروّجی طبسی
آستان قدس رضوی
چاپ هشتم: پاییز ۱۳۹۱ (ویرایش جدید)
معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
نشانی: حرم مطهر امام رضا (ع)، اداره پاسخ گویی به سؤالات دینی
تلفن: ۰۵۱۱-۳۲۰۲۰ دورنگار: ۰۵۱۱-۲۲۴۰۶۰۲ rahnama@aqrazavi.org

به کوشش محمدحسین پورامینی
ویراستار: محمد مهدی باقری
طراح لوگوی رهنما: مسعود نجابتی
طراح جلد: علی بیات





↪ رسیدن برای یافتن راه، خود، ارزش است...
و هر فرهنگی که به پرسشگری بها دهد
و زیباترین، دقیق‌ترین و ساده‌ترین پاسخ‌ها را پیشِ رو بگذارد،
گسترش و دوام خود را تضمین کرده است.
مهم، انتخاب بهترین راه است...
و **ره‌نما** گامی است در این مسیر.
همگام ما باشید و با طرح دیدگاه‌های رنگارنگتان، یاری‌مان کنید.





چند تابلو برای نصب؛ تصاویری از زندگی حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)

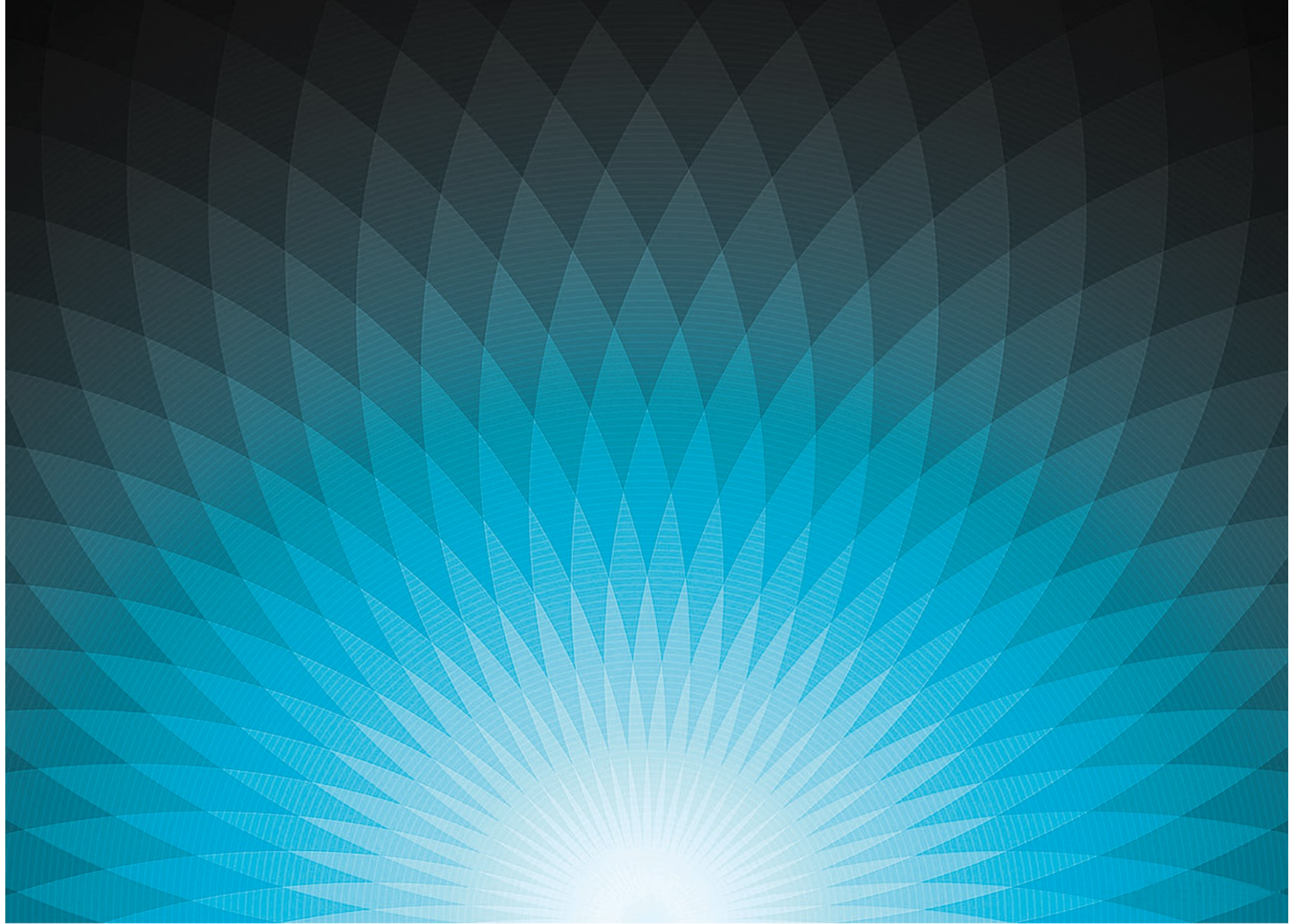
این متن را برای پاسخ به این پرسش‌ها آماده کرده‌ایم:

؟ در زندگی بانوی دو عالم، چه بود که حتی امامان معصوم (علیهم السلام) نیز ایشان را الگوی خود معرفی کرده‌اند؟

؟ برای نصب در برابر دیدگان، چه تصاویر نابی از زندگی زهرا (علیها السلام) و منش ایشان می‌توان گرفت؟

؟ اگر بخواهیم ده درس اخلاقی و عملی را از خلال نگرش و کردار ایشان بگیریم، بر چه

ساخت‌هایی تمرکز می‌کنیم؟



درآمد

تاکنون، نام بسیاری از شخصیت‌ها به‌عنوان الگو به جامعه معرفی شده است؛ اما جایگاه هیچ‌کدام به‌ممتازی جایگاه انبیای الهی و پیشوایان پاک‌خاندان نبی مکرم اسلام، حضرت محمد مصطفی ﷺ، نبوده است. این سلاله مطهر، با داشتن مدال افتخار پاکی و طهارت ازسوی پروردگار، بهترین الگوی بشریت بوده و خواهند بود. ازجمله این پاکان، دخت پیامبر بزرگ اسلام است که زندگی زاهدانه و عارفانه‌اش بزرگ‌ترین درس زندگی برای مسلمانان است. قرآن مجید مسئله اسوه و الگو را این‌گونه مطرح می‌کند و مصادیق آن را ابراهیم، یاران او و پیامبر اکرم ﷺ یاد می‌کند:

﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآؤُا مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ...﴾ (-) برای شما، سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند، وجود داشت؛ در آن هنگامی



که به قوم [مُشرک] خود گفتند: ما از شما و آنچه از غیر از خدا می‌پرستید، بیزاریم.^۱

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ﴾ (– برای شما، در زندگی آنان اسوه حسنه و سرمشق نیکویی بوده است، برای کسانی که امید به خدا و روز قیامت دارند).^۲

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾ (– قطعاً، در زندگی رسول خدا، برای شما سرمشق نیکویی بود [و] برای آنان که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند).^۳

به دنبال این اشاره قرآنی، پیامبر اسلام ﷺ نیز چند تن از پیامبران را الگوی خویش معرفی کرده‌اند: «هفت تن از پیامبران الگوی من هستند که اولین آنان، حضرت نوح (علیه السلام) است.»^۴ سپس،

۱. ممتحنه، ۴.

۲. ممتحنه، ۶.

۳. احزاب، ۲۱.

۴. ابن طاووس حلی، الطرائف، ج ۲، ص ۴۲۵؛ نورالله شوشتری، الصوارم المهرقه، ص ۷۰؛ احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۸۹.



هارون (علیه السلام) را الگوی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) معرفی کردند و به وی فرمودند: «علی جان، تو نیز از هارون پیروی خواهی کرد» و علت این پیروی را چنین بیان کردند: «هارون بدین جهت الگوی توست که خاندانش او را کوچک شمردند و علیه او شوریدند و خواستند او را به قتل برسانند. پس صبر کن، یا علی، بر آن ظلمی که قریش به تو خواهند کرد.»^۱

براساس فرمایش حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام)، پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امیرمؤمنان (علیه السلام) و حضرت فاطمه (علیها السلام) و امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) الگوی سایر امامان معصوم (علیهم السلام) هستند: «به طور حتم و یقین، باید تقدیرات الهی درباره من به اجرا گذاشته شود؛ چراکه من پیرو پیامبر و امیرمؤمنان و فاطمه و حسن و حسین هستم.»^۲

حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) نه تنها الگوی مسلمانان، بلکه الگوی پیشوایان معصوم (علیهم السلام) است؛

۱. سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس، ص ۷۶۹.

۲. محمد بن حسن طوسی، الغیبه، ص ۴۳؛ علی بن جعفر، مسائل علی بن جعفر، ص ۳۴۷.



بدین جهت است که می‌بینیم تمام فرازونشیب‌های زندگی حضرت فاطمه (علیها السلام) در زندگی معصومان تجلی داشته است. الگوبودن ایشان، در فرمایش دو معصوم دیگر نیز به چشم می‌خورد: امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمودند: «نَحْنُ حُجَجُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ وَ فَاطِمَةُ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْنَا»^۱ حضرت ولی عصر، امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، نیز درباره اسوه‌بودن حضرت فاطمه (علیها السلام) چنین بیان می‌کنند: «وَفِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ لِي أَسْوَةٌ حَسَنَةٌ» در این مختصر، تلاش کرده‌ایم با ارائه ده تابلوی زیبا، تصاویری از زوایای اخلاقی زندگی حضرت فاطمه (علیها السلام) ارائه کنیم؛ بدان امید که هر مسلمانی این تابلوها را برای الهام‌گیری در زندگی، جلوی دیدگان خود نصب کند و به کمالات اخلاقی و شیرینی محیط‌های زندگی‌اش بیفزاید؛ إن شاء الله.

۱. فاطمة الزهراء بهجة قلب المصطفى، ص ۷۴۴.



تابلوی نخست: احترام به پدر

زندگی حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) سراسر عشق به رسول الله (صلی الله علیه و آله) بود و ایشان به شدت به پدر احترام می گذاشتند: پیوسته دست پدر را می بوسیدند، تمام قد به احترام پدر از جا برمی خاستند و به گرمی از آن حضرت استقبال می کردند. عایشه گوید: «هیچ کس را ندیدم که کلام و سخنش شبیه تر از کلام و سخن فاطمه به سخن رسول خدا باشد. او هرگاه بر پیامبر وارد می شد، به او خوش آمد می گفت، دستانش را می بوسید و او را در جایگاه خود می نشانید. هرگاه نیز پیامبر بر او وارد می شد، فاطمه برمی خاست، به او خوش آمد می گفت و دستانش را می بوسید.»^۱

هرگاه پیامبر (صلی الله علیه و آله) از سفر باز می گشتند، اول بر حضرت فاطمه (علیها السلام) وارد می شدند. حضرت فاطمه (علیها السلام) نیز از جای برمی خاستند، پدر را در آغوش می گرفتند و پیشانی پدر را می بوسیدند.^۲

۱. محمد بن حسن طوسی، امالی، ص ۴۰۰؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۵.

۲. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۴۰.



آن روزی که آیه احترام به پیامبر (ص) را پروردگار نازل کرد، حضرت فاطمه (علیها السلام) به سبب احترام فوق العاده‌ای که به پدر می گذاشتند، دیگر از کلمه پدر صرف نظر کردند و به آن حضرت، رسول الله می گفتند. اما پیامبر (ص) او را از چنین خطایی نهی کردند و فرمودند: «دخترم، این آیه درباره تو و خانواده‌ات نازل نشده است؛ تو از من هستی و من از تو هستم. این آیه خطاب به ستمکاران و اهل غرور و تکبر نازل شده است. تو به من پدر بگو؛ زیرا این، برای قلب و روح من دوست‌داشتنی‌تر است و خداوند را بیشتر خشنود می کند.»

روزی پیامبر (ص) بر حضرت فاطمه (علیها السلام) وارد شدند تا به او اطلاع دهند که حضرت علی (علیه السلام) از او خواستگاری کرده است. حضرت فاطمه (علیها السلام) برخاستند و ردای پدر را گرفتند و نعلین ایشان را از پا درآوردند و آب برای ایشان آوردند. سپس، دست‌ها و پاهای پیامبر (ص) را شستند.^۱



بی‌شک، این درس اخلاقی از زندگی حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) عمومیت داشته و هیچ‌گاه اختصاص به زن یا مرد، بزرگ یا کوچک و مسلمان یا غیرمسلمان ندارد.

تابلوی دوم: احترام به شوهر

حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) بسیار به امیرمؤمنان احترام می‌گذاشتند. جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید که علی و فاطمه (علیها السلام) نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رفتند و عرضه داشتند: «کدام یک محبوب‌تر هستیم؟» پیامبر در پاسخ آن دو فرمودند: «تو شیرینیِ فرزند را داری و علی عزّت مردان را و او محبوب‌تر است نزد من از تو.» فاطمه (علیها السلام) فرمودند: «قسم به آن که تو را برگزید و هدایت کرد و امت را به دست تو هدایت نمود، تا زنده هستم به فضل و بزرگی علی اقرار خواهم کرد.»^۱ این احترام متقابل باعث شد که

۱. ابن مغازلی شافعی، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۳۱؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۹.



هیچ گاه و در هیچ مسئله‌ای، نزاع نکنند؛ چنان که این مسئله بر زبان هر دو جاری شد. هنگامی که حضرت فاطمه (علیها السلام) یقین به مرگ پیدا کردند، ام‌ایمن و اسماء بنت عمیس را فراخواندند و دنبال علی (علیها السلام) فرستادند تا ایشان نیز آمدند. سپس گفتند: «ای پسرعمو، مرگم فرا رسیده است و ساعت به ساعت به پدرم نزدیک‌تر می‌شوم تا به او ملحق شوم. از این رو، می‌خواهم مطالبی را که در قلبم هست، به تو وصیت کنم.» حضرت علی (علیها السلام) گفتند: «ای دختر رسول خدا، آنچه دوست داری و می‌خواهی، به من وصیت کن.» پس امیرالمؤمنین (علیها السلام) بالای سر همسرشان نشستند و آنانی را که در خانه بودند، بیرون فرستادند. حضرت فاطمه (علیها السلام) لب به سخن گشودند: «پسرعمو... آیا در این مدتی که با من معاشرت داشته‌ای، دروغ و خیانت یا مخالفتی از من دیده‌ای؟» امیرمؤمنان (علیها السلام) پاسخ دادند: «هرگز! پناه به خدا. تو به وجود خداوند داناتری. تو نیکوکارتر، پرهیزکارتر، کریم‌تر و درمقابل خداوند، ترسان‌تر از آنی که بخواهی به سبب مخالفت با خود،



سرزنشست کنم... جدایی از تو و نبودنت بر علی بسیار سخت و سنگین است.»^۱

علی علیه السلام پس از ارتحال فاطمه علیها السلام می فرمودند: «تا زمانی که فاطمه از دنیا رفت، من او را به خشم نیاوردم و بر کاری مجبورش نکردم. او نیز مرا به خشم نیاورد و در هیچ مسئله‌ای از من نافرمانی نکرد.»^۲ از این رو، می توان مدعی شد که هیچ گاه کوچک ترین اختلافی بین علی و فاطمه علیها السلام نبود و این، به سبب احترام فوق العاده‌ای است که به یکدیگر داشتند.

۱. محمدجواد مروّجی طبسی، دردانه دلداده، ترجمه علی رضا کاوند، ص ۲۷۰.

۲. همان، ص ۲۷۱.



تابلوی سوم: زهد و ساده‌زیستی

حضرت فاطمه علیها السلام همیشه در زندگی ساده‌زیست بودند و هرگز به تجمل‌گرایی روی نیاوردند؛ به گونه‌ای که آغاز و پایان زندگی‌شان با حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام یکسان بود. از امام محمد باقر علیه السلام روایت است که زیرانداز علی و فاطمه علیهما السلام هنگام ازدواج، پوست گوسفندی بود و هرگاه می‌خواستند بر روی آن بخوابند، آن را برمی‌گرداندند و بر روی پشمش می‌خوابیدند. بالشتک آن دو نیز چرمی پُر از لیف خرما بود.^۱

فاطمه علیها السلام ساده‌ترین و کهنه‌ترین و زبرترین لباس‌ها را به تن می‌کردند. جابر انصاری می‌گوید: «پیامبر، فاطمه را درحالی دید که عبایی از پوست شتر به تن کرده بود و با دست خود، آسیاب می‌کرد.»^۲

۱. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۰۴.

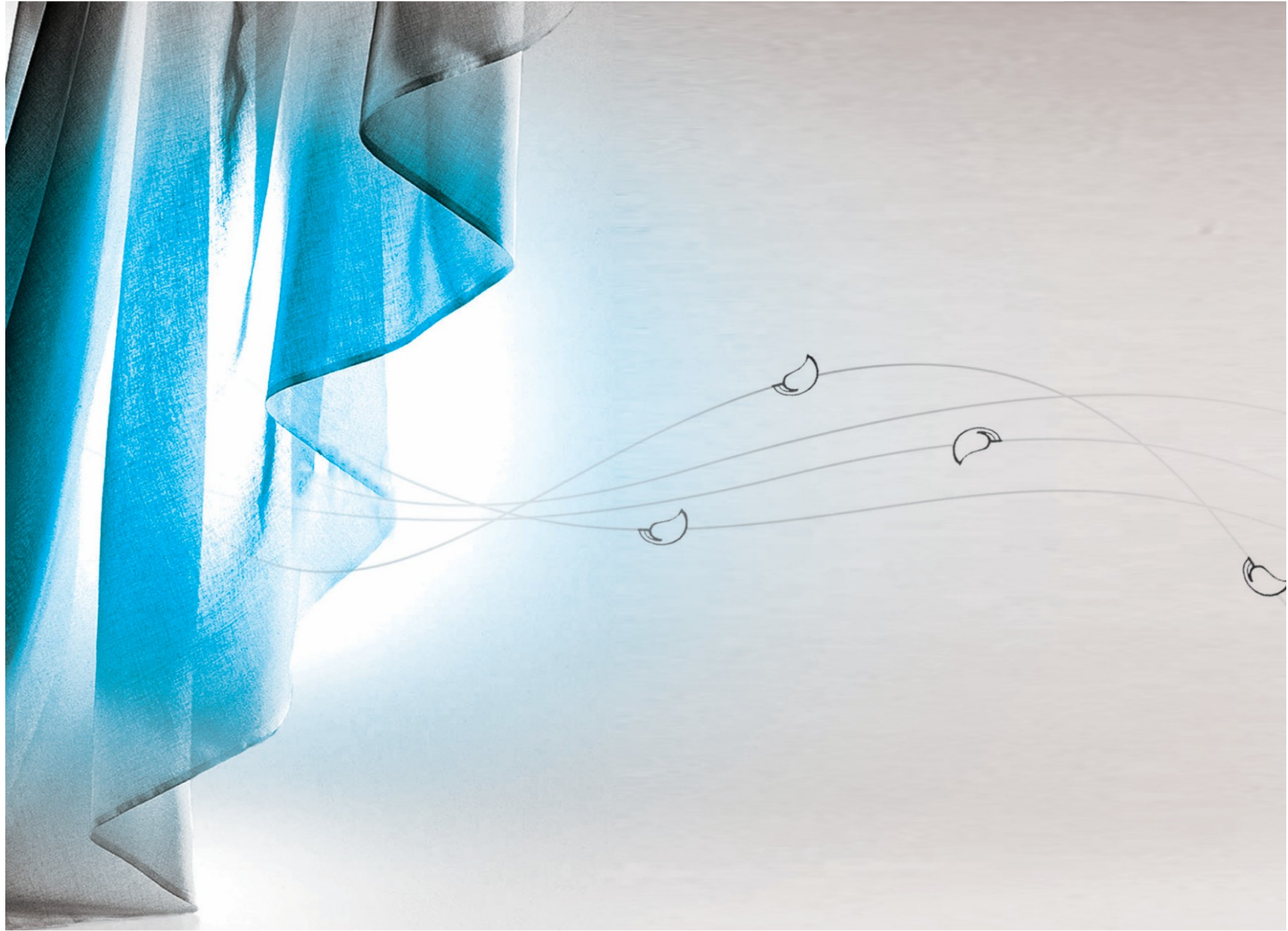
۲. در دانه دل‌داده، ص ۲۰۹.



وقتی آیه **﴿وَأَنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ﴾** (= به درستی که دوزخ وعده گاه همه آنان است)^۱ نازل شد، پیامبر (ﷺ) به شدت گریستند و یاران نیز گریان شدند. یاران پیامبر که راهی برای آرام کردن ایشان نمی یافتند، تصمیم گرفتند به دنبال دخت رسول خدا بفرستند. پیامبر (ﷺ) با شنیدن این خبر خوشحال شدند و از گریه شان کاستند. بدین جهت سلمان را به محضر فاطمه (علیها السلام) فرستادند. او وقتی که بر حضرت فاطمه (علیها السلام) وارد شد، دید که ایشان مقداری جو در مقابلشان قرا داده اند و مشغول آسیاب کردن هستند. سلمان فارسی پس از سلام، جریان نزول آیه و گریه رسول خدا را شرح داد. حضرت فاطمه از جای برخاستند و لباس بسیار کهنه خود را که دوازده جای آن با شاخه درخت خرما دوخته شده بود، پوشیدند. سلمان فارسی وقتی که به چادر حضرت فاطمه (علیها السلام) نگاه کرد، گریان شد و گفت: «آه! آه! دختران قیصر و کسرا غرق ابریشم اند و لباس دختر حضرت



محمد (ص) قطعه پشمی است که مندرس شده و دوازده جای آن دوخته و وصله شده است.^۱
درس حضرت فاطمه (علیها السلام) این است که به دنیا دل بسته نباشید که دل بستگی، غفلت می آورد
و انسان را از کمال و رسیدن به مقامات الهی باز می دارد.





تابلوی چهارم: تقسیم کار

تقسیم کار بین فاطمه و علی علیهما السلام در آغاز ازدواج آن دو انجام شد. امام باقر علیه السلام می فرمایند: «علی و فاطمه نحوه تقسیم کار در زندگی را، خدمت رسول الله مطرح کردند. حضرت، خدمات بیرون خانه را به عهده علی علیه السلام گذاردند و خدمات داخل خانه را به عهده فاطمه علیها السلام». اینجا بود که حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند: «هیچ کس جز خدا نمی داند که چقدر خوشحال شدم؛ چرا که پیامبر از کارهایی که به عهده مردان است، مرا معاف کردند.»^۱

در نظام خانواده، خداوند عز وجل نفقه را به عهده مرد قرار داده و به زن هیچ گونه نفقه ای در زندگی تحمیل نکرده است. این به سبب لطف و عنایتی است در حق زن، تا بیشتر و بهتر به وظیفه اصلی خود بپردازد؛ از این رو، هیچ ضرورتی نیست که زنان با مشاغل سخت و پردردسر و مشقت آور دست و پنجه نرم کنند.

۱. محمد بن عبدالله حمیری، قرب الاسناد، ص ۲۵؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۸۱؛ محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۷۳؛ میرزا حسینی نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۴۸.



درس دیگری که در باب تقسیم کار، از حضرت فاطمه (علیها السلام) به یادگار داریم، این است که ایشان با فضّه، خادمه منزل، کار را در خانه تقسیم کرده بودند: یک روز کارها به عهده حضرت فاطمه (علیها السلام) بود و روز دیگر به عهده فضّه.

سلمان فارسی از این ماجرا چنین پرده برداشت: روزی بر حضرت فاطمه (علیها السلام) وارد شدم. حضرت نشسته بود و با آسیابی که در مقابلش بود، جو آسیاب می کرد. دسته آسیاب خون آلود شده بود و حسین در گوشه‌ای از اطاق، از گرسنگی بی‌قراری می کرد. به حضرت فاطمه (علیها السلام) گفتم: «ای دختر رسول خدا، دست‌های تو با آسیاب کردن مجروح شده؛ در حالی که فضّه خادمه، حاضر و بیکار است.» حضرت فرمودند: «پدرم فرموده است که کار منزل یک روز به عهده فضّه و یک روز به عهده من باشد. نوبت فضّه دیروز بود.»^۱

۱. قطب راوندی، الخرائج و الجرائع، ج ۲، ص ۵۳۰.



تابلوی پنجم: تربیت فرزند

تربیت فرزندان خوب و تحویل آنان به جامعه جزو وظایف اصلی پدر و مادر است. البته نقش مادر تعیین کننده تر است؛ چراکه فرزندان، بیشتر وقت خود را در کنار مادر سپری می کنند. زندگی حضرت زهرا (علیها السلام) مرصیه پر از این عاطفه و محبت های مادری است. دست باکفایت و دامن پرمهر و محبتش، فرزندانی همانند حسن و حسین و زینب کبری (علیهم السلام) تربیت کرد. ثبت است که ایشان، فراوان با حسن و حسین بازی می کرده و اشعاری را در هنگام بازی با دو فرزند خویش می سروده است. گاهی نیز به تلاوت قرآن امام حسن گوش فرا می داد تا آیات و وحی الهی را از زبان جگر گوشه اش بشنود.^۱ همین عنایت ها باعث شد که این فرزندان سرآمد روزگار شوند.

۱. ابن بطریق حلی، العمده، ص ۴۰۰؛ علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج ۱، ص ۵۲۲.





تابلوی ششم: نداشتن توقع در زندگی

در طول زندگی مشترک نُه ساله، هیچ گاه حضرت فاطمه (علیها السلام) چیزی از حضرت علی (علیها السلام) درخواست نکردند. او این روش را از پدر خویش آموخته بود. امام محمد باقر (علیها السلام) می فرمایند که فاطمه به علی تعهد داد تا امور مربوط به خانه و خمیر کردن و پخت نان را انجام دهد و همچنین به نظافت خانه بپردازد. علی نیز به فاطمه تعهد داد که آنچه از بیرون خانه است، به خانه بیاورد؛ همانند آوردن هیزم و تهیه غذا. روزی به حضرت زهرا (علیها السلام) فرمود: «ای فاطمه، غذایی در خانه داریم؟» حضرت فاطمه (علیها السلام) فرمود: «قسم به آن که منزلت و مقام تو را بالا بُرد، سه روز است که در خانه چیزی یافت نمی شود، تا برایت بیاورم.» امیرمؤمنان (علیها السلام) فرمود: «چرا مرا خبر نکردید؟!» حضرت فاطمه (علیها السلام) در پاسخ فرمود: «پیامبر مرا نهی کرد که چیزی از تو بخواهم و فرمود که از پسرعمویت چیزی درخواست نکن؛ اگر چیزی آورد که بهتر؛ و الا چیزی از او



درخواست نکن.»^۱

دقت و تأمل در ماجرای یادشده، دریایی از معارف ناب اسلامی را به روی دیدگان خانواده‌ها باز می‌کند تا با نگرشی جدید به اصلاح زندگی خویش بپردازند. سرپرست خانه وظیفه اخلاقی دارد که کمبودهای زندگی را در حدّ متعارف جبران کند؛ اما اگر شوهر در وضعیتی است که نمی‌تواند پاسخ‌گوی رفاه بیشتری متناسب با درخواست زن باشد، به‌نظر شما باید چه کرد؟ آیا نباید زن از توقعات خود کم کرده و تا روز گشایش، صبر و تحمل کند؟

همچنین، پیام حضرت فاطمه (علیها السلام) به مردان این است که اگر زن در موقعیتی نیست که بتواند توقعات مرد را برآورده سازد، هرگز نباید هدف طعنه و آزار شوهر قرار گیرد.

۱. محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۷۱؛ سید نعمت‌الله جزائری، القصص الجزائری، ص ۴۰۳؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۱.



تابلوی هفتم: حجاب و پوشش

به پوشش اسلامی، نه فقط زنان، بلکه مردان نیز باید اهمیت دهند. در غیراین صورت، هرگز امنیت اخلاقی در جامعه تأمین نمی‌شود.

شخصی نابینا از حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) اجازه ورود خواست. حضرت فاطمه (علیها السلام) خود را از او پوشانیدند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) به او گفتند: «چرا خود را از او پوشاندی؛ درحالی که او تو را نمی‌بیند؟» حضرت فاطمه (علیها السلام) پاسخ دادند: «ای رسول خدا، اگر او مرا نمی‌بیند، من که او را می‌بینم و او بوی مرا استشمام می‌کند.» پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «گواهی می‌دهم که تو پاره تن من هستی.»^۱

حضرت زهرا (علیها السلام) در دوران حیات پدر، بیمار شدند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) همراه گروهی از یارانشان به عیادت ایشان آمدند و اجازه ورود خواستند. حضرت فاطمه (علیها السلام) فرمودند: «ای پدر،

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۸۹؛ علی بن جعفر، الجعفریات، ص ۹۵؛ قاضی نعمان مغربی، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۲۱۴؛ ابن یوسف مطهر حلی، العدد القویه، ص ۲۲۴؛ نوادر الراوندی، ص ۱۳.



نمی‌توانی بر من وارد شوی. زیرا عبايي بر تن دارم که هرگاه سرم را با آن بپوشانم، دو پايِم آشکار می‌شود و هرگاه دو پايِم را با آن بپوشانم، سرم پیدا می‌شود.» پس رسول خدا ﷺ عباي خود را پیچیدند و آن را سوی ایشان انداختند و حضرت فاطمه (علیها السلام) خود را با آن پوشاندند.^۱ آری؛ همین مسئله درس بزرگی برای زنان پیامبر شد که هیچ‌گاه با لباس‌های خانه یا بی‌حجاب و بدون پوشش مناسب، در برابر مردان ظاهر نشوند.

حضرت فاطمه (علیها السلام) آن قدر بر پوشش بدن تأکید داشتند که حتی برای پس از شهادت، حاضر نبودند اندامشان در دید تشییع‌کنندگان قرار گیرد. وقتی بیمار شدند، به اسماء بنت عمیس گفتند: «مرا بر روی تختی حمل نکنید که جنازه‌ام ظاهر و آشکار باشد.» اسماء گفت: «نه، به جانم قسم، برایت تابوتی می‌سازم، مثل آنچه در بلاد حبشه دیده‌ام.» حضرت درخواست

۱. ابونعیم اصفهانی، حلیة الاولیاء، ج ۲، ص ۴۲؛ در دانه دلدادہ، ص ۳۴۵.



کردند که آن تابوت را به وی نشان دهد. اسماء شخصی را فرستاد تا از بازار، شاخه‌های درخت خرما تهیه کند. سپس، تختی که نزدش بود، با آن شاخه‌ها به صورت تابوتی درآورد و این اولین تابوتی بود که ساخته شد. پس از ساخت تابوت، حضرت فاطمه (علیها السلام) تبسمی کردند. به جز آن موقع، روزی نبود که ایشان خندان باشند.^۱

همچنین، از اسماء بنت عمیس نقل است که زهرای مرضیه (علیها السلام) به او گفتند: «من این عمل را زشت می‌دانم که پارچه‌ای روی جنازه زنان می‌اندازند؛ زیرا هر بیننده‌ای از حجم و وصف آن جنازه آگاه می‌شود.» اسماء گفت: «ای دختر رسول خدا، من نظیر آن تابوتی که در سرزمین حبشه دیده‌ام، به تو نشان می‌دهم.» آن گاه فرستاد تا شاخه‌های تازه خرما آورند و او تابوتی نیکو ساخت و پارچه‌ای روی آن انداخت.



حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند: «چقدر این تابوت خوب است؛ زیرا جنازه‌ای که در میان آن است تشخیص داده نمی‌شود که جنازه زن است یا جنازه مرد.»^۱



تابلوی هشتم: تقویت روحیه، در فشارهای زندگی

بسیاری از خانواده‌ها در اثر نداشتن روشی صحیح در زندگی، با کوچک‌ترین مشکلات، از ادامه زندگی دلسرد می‌شوند و گاهی، امید به زندگی را از دست می‌دهند و نهایتاً نظام خانواده آنان از هم می‌پاشد. حتی این مشکلات برای آنان به حدی جدی می‌شود که فکر می‌کنند هیچ راه‌حلی برای آن‌ها وجود ندارد. اما با کمی صبر، تحمل، مشورت و کمک‌خواهی از یکدیگر، می‌توان به زندگی امیدوار شد.

در این مسیر، این همسر است که نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند و می‌تواند با درایت و کفایتی که از خود نشان می‌دهد، آن‌چنان مرد را به آرامش و سکون دعوت کند که یک‌باره، تمام دردها و غم‌هایش به دست فراموشی سپرده شود.

حضرت فاطمه (علیها السلام) در زندگی پرتلاطم سیاسی حضرت علی (علیه السلام) با فراهم کردن فضای همدردی و صبوری، فشارهای طاقت‌فرسا را کاست و همدم لحظه‌های تنهایی همسرش شد.



امیرمؤمنان علیه السلام درباره همسرش، فاطمه علیها السلام، چنین فرمودند: «فَوَاللَّهِ مَا أَغْضَبْتُهَا وَلَا أَكْرَهْتُهَا عَلَى أَمْرٍ حَتَّى قَبَضَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَلَا أَغْضَبْتَنِي وَلَا عَصَتْ لِي أَمْرًا وَلَقَدْ كُنْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهَا فَتَتَكَشَّفُ عَنِّي الْهُمُومُ وَالْأَحْزَانُ.» (= به خدا سوگند، هرگز فاطمه را به خشم نیاوردم و هیچ گاه او را به کاری مجبور نساختم تا اینکه خداوند او را به سوی خویش فراخواند. همچنین، او هرگز مرا به خشم نیاورد و هیچ گاه نافرمانی نکرد. وقتی به فاطمه می‌نگریستم، تمام غم‌ها و رنج‌ها از من زدوده می‌شد).^۱

۱. کشف الغمه، ج ۱، ص ۲۶۳؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۴۳.



تابلوی نهم: پرهیز از اختلاط

پرهیز از اختلاط زن و مرد در جامعه، ضرورتی انکارناپذیر است و در صورت توجه نکردن به آن، بسیاری مفاصد اجتماعی بروز می‌یابد و نظم و نظام جامعه مختل می‌شود. از امیرمؤمنان (علیه السلام) روایت است که فرمودند: نزد رسول الله نشسته بودیم. ایشان فرمود: «مرا خبر دهید که چه چیز برای زنان بهتر است.» همگی از جواب درماندیم؛ تا اینکه متفرق شدیم. من به‌سوی فاطمه (علیها السلام) بازگشتم و از آنچه رسول خدا به ما گفته بود، او را خبر کردم و گفتم که هیچ‌یک از ما جواب آن‌را نمی‌دانستیم و از آن شناختی نداشتیم. فاطمه (علیها السلام) گفت: «من جواب آن‌را می‌دانم: برای زنان بهتر آن است که مردان را نبینند و مردان نیز آنان را نبینند.» پس به‌سوی رسول خدا بازگشتم و گفتم: «از ما در این باره پرسیدی که چه چیز برای زنان بهتر است. برای زنان بهتر است که مردان را نبینند و مردان نیز آنان را نبینند.» پیامبر فرمود: «چه کسی تو را از این جواب باخبر کرد؛ در حالی که نزد من پاسخ آن‌را نمی‌دانستی؟» گفتم: «فاطمه.» پس رسول خدا



از این مسئله به شگفت آمد و گفت: «همانا فاطمه پاره تن من است.»^۱

تماس‌های مکرر و اختلاط‌های زیاد میان زن و مرد، اگر هم سالم باشد، باز در اثر نگاه‌های مکررِ نامحرمان، به‌ویژه همکاران و هم‌کلاسی‌ها، عرصه را بر هر دو تنگ کرده و زمینه را برای دام‌گستری شیطان فراهم خواهد کرد.

۱. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۹۲.



تابلوی دهم: دعا برای همه

به ما آموخته‌اند که نه فقط دیگران را در دعا‌های خیرمان شریک کنیم، بلکه خواسته‌اند که اول برای دیگران امور خیر خواسته و سپس برای خودمان بخواهیم.

حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) در دعاها، فقط دیگران را در نظر می‌گرفتند و هیچ‌گاه برای خود چیزی طلب نمی‌کردند. امام حسن مجتبی (علیه السلام) می‌فرمایند که دیدم مادرم فاطمه (علیها السلام) شب جمعه‌ای در محرابش ایستاده بود و پیوسته رکوع و سجود می‌کرد؛ تا اینکه صبحدم فرا رسید. شنیدم که او برای مردان و زنان مؤمن دعا می‌کرد و نامشان را می‌آورد. او برای آنان بسیار دعا می‌کرد؛ ولی هرگز برای خود دعا نکرد. پس به او گفتم: «ای مادر، چرا همان‌طور که برای دیگران دعا می‌کنی، برای خودت دعا نمی‌کنی؟» گفت: «ای پسر، اول همسایه و سپس اهل خانه.»^۱



همچنین، حضرت موسی بن جعفر علیه السلام به نقل از پدرانش می‌فرمایند: «فاطمه هرگاه دعا می‌کرد، برای مؤمنان دعا می‌فرمود، نه برای خودش. پس به او گفتند که چرا برای مردم دعا می‌کنی، ولی برای خودت، نه. گفت: اول همسایه و بعد اهل خانه.»^۱

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.